



کارخواجه نصیر در امامت پژوهی بسیار تازه است / موسس کلام فلسفی

رئیس موسسه حکمت و فلسفه در همایش بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی با بیان اینکه کار خواجه نصیر در امامت پژوهی بسیار نو و تازه است گفت: خواجه نصیرالدین طوسی موسس کلام فلسفی است.

رئیس موسسه حکمت و فلسفه در همایش بزرگداشت خواجه نصیرالدین طوسی با بیان اینکه کار خواجه نصیر در امامت پژوهی بسیار نو و تازه است گفت: خواجه نصیرالدین طوسی موسس کلام فلسفی است. همایش بزرگداشت حکیم خواجه نصیرالدین طوسی عصر روز گذشته در موسسه حکمت و فلسفه برگزار شد. حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه در ابتدای سخنانش با اشاره به اینکه خواجه نصیر شخصیت جامعی در عرصه های مختلف کلام، فلسفه، اخلاق، هیئت و نجوم دارد، گفت: خواجه نصیرالدین طوسی شخصیتی است که در بسیاری از حوزه ها سررشته دارد. او هم در عرصه هیئت فعالیت کرده و هم نجوم و باید توجه داشت که این دو علم با یکدیگر فرق دارند. در علم هیئت محقق ریاضی وار حرکت سیارات را تعیین می کند ولی در نجوم که یک علم استقرایی است، منجم با مشاهده به یافته های خود می رسد. خواجه رسائل متعددی در علم هیئت و یک رساله ۳۰ فصلی درباره نجوم دارد. او همچنین در حکمت نظری و عملی بسیار تاثیر گذار بوده است. وی افزود: جامعیت شخصیت خواجه در حدی است که در هفتصدمین سال یادبود او، محمد مدرسی زنجان رساله ای در باب این جامعیت منتشر کرده است. یکی از تخصص های خواجه نصیرالدین طوسی مباحث کلامی است. با اینکه او رساله های متعددی درباره جبر، اختیار، اثبات و وحدت دارد یک رساله خاص هم به عصمت و امامت اختصاص داده است. خواجه نصیرالدین طوسی در رساله فصول النصریه که از رساله های شناخته شده او در حوزه کلام است با قاعده لطف اثبات کرده که وجود امام لازم است. لازم بود هم از این جهت که بشر باید به صلاح نزدیک و از شر دور شود و برای تحقق چنین امری امام لازم است. رئیس موسسه حکمت و فلسفه اضافه کرد: امام را یک بشر نمی تواند تعیین کند بلکه باید نصوص باشد یعنی حتما باید یک پیامبر، امام را معرفی کند. رساله دیگری که خواجه نصیرالدین طوسی به آن پرداخته رساله الامامت است. او در این رساله به ۵ پرسش پرداخته که این پرسش ها عبارتند از امامت چیست؟ آیا امام وجود دارد؟ چرا باید امام باشد؟ این امام که باید باشد چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟ و آخرین سوال هم امام چه کسانی هستند؟ خواجه نصیرالدین طوسی در پاسخ به این سئوال می گوید امام، انسانی است که در این دنیا با اصالت، ریاست عمومی مردم را در امور دین و دنیا دارد. پس شأن امام منزل از امور دنیوی نیست اگر چه بعد دنیوی هم فقط یک وجه از امام است. بنابراین تا دنیا، دنیاست امام باید باشد چون بشر به هدایت و طاعت و دوری از معصیت نیاز دارد. از بیان خواجه می توان متوجه شد که به عقیده او امام فقط محدث نیست. نبی و پیغمبر هم نیست، جزو علمای ابرار هم نیست ولی شأن خودش را دارد. امام کسی است که مقام عصمت دارد و چون عصمت دارد از سوی خدا تعیین می شود. خسرو پناه ادامه داد: خواجه نصیرالدین طوسی همچنین ویژگی های جسمانی و ظاهری یعنی سلامت جسمی، روحی و معنوی را برای امام بر می شمرد و می گوید امام در همه اینها باید در نهایت کمال باشد. خواجه نصیرالدین طوسی موسس کلام فلسفی است یعنی کلامی که متأثر از فلسفه مشاء و اشراق است. توجه داشته باشید که کلام فلسفی با فلسفه کلامی تفاوت دارد. خواجه نصیرالدین طوسی موسس کلام فلسفی است ولی غزالی و فخر رازی موسسه فلسفه کلامی هستند. وی در پایان گفت: خواجه نصیرالدین طوسی در رساله تجرید الاعتقاد مباحث امامت عامه را تمام و وارد بحث امامت خاصه می شود. اولین کسی که در باب امامت رساله نوشت نوه میثم تمار بود. پس از او خوارج رساله ای در نقد امامت نوشتند اما پس از این دو جریان مهم در دوره سوم خواجه نصیرالدین طوسی یک کار ابداعی در امامت پژوهی انجام داد. کلام خواجه مبتنی بر فلسفه و منشاء یک تحول ایجابی امامت پژوهی است و همین موضوع سبب شد که جز علمای شیعه، علمای اهل سنت هم در تجرید الاعتقاد او حاشیه بنویسند. کار خواجه باعث شد تا بقیه کار انفعالی انجام دهند به طوری که بعد از او دو جریان اشعری و سلفی به مقابله با او می پردازند و از همینجا مشخص می شود که کار خواجه در امامت پژوهی بسیار نو و تازه است.